



ارگان مرکزی حزب توده ایران

فجایع دستگاه دولتی شاه - زاهدی

در زندانها و تبعیدگاهها
نیوانست چون یکم ویت و بدون مس
و زجر و تپید و شکنجه بیوردت خود
ادامه دهد.

در این مدت کوتاه هزاران هزار
مردم فرستاده تیران و شهرستانها و راجان
آشفتهاند. دولت گوناگون برای ارباب
معاذین برای حسن معاظین خود دستگاه
چینی ایجاد کرده که بیجهت از طرف
قانونی در باره «اعیان باطنی» نیست.
و دستگاهها که قانونا باید برزخان معاظرت
و دستگاهها که قانونا باید برزخان معاظرت
و دستگاهها که قانونا باید برزخان معاظرت

املاک غصبی بسر رضاخان باید مجازا بلاغوص بدمقتان و اگذار کرد

مانور با کراهت شاه خانی نمیتواند دهقانان ما را از مبارزه
بناظر زمین و آزادی باز دارد

مردمان با کودتای شاهانه و سرکوت
ملاکین بزرگ و ثروتمندان که بزرگت
از اوضاع را پشم خود دیده با وحشیگری
بیشتر برای لغت آخرین مینی و معانی
هر صل چنانکه گاه ایستاده و نه خامسکه
با حیاتیهای سرورخانستان و سنجان و باقی
و از اوضاعها بصریکه ملاکین بزرگت
و حقیقتا فرودا بختا و نصیبت نوسه
و نه جنس و نوسه دست جنس دهقانان
انجام نوسه. از اوضاعها و معانی ملاکین
که از ازارت سرکرده خان و آدمکش

مردمان با کودتای شاهانه و سرکوت
ملاکین بزرگ و ثروتمندان که بزرگت
از اوضاع را پشم خود دیده با وحشیگری
بیشتر برای لغت آخرین مینی و معانی
هر صل چنانکه گاه ایستاده و نه خامسکه
با حیاتیهای سرورخانستان و سنجان و باقی
و از اوضاعها بصریکه ملاکین بزرگت
و حقیقتا فرودا بختا و نصیبت نوسه
و نه جنس و نوسه دست جنس دهقانان
انجام نوسه. از اوضاعها و معانی ملاکین
که از ازارت سرکرده خان و آدمکش

مردمان با کودتای شاهانه و سرکوت
ملاکین بزرگ و ثروتمندان که بزرگت
از اوضاع را پشم خود دیده با وحشیگری
بیشتر برای لغت آخرین مینی و معانی
هر صل چنانکه گاه ایستاده و نه خامسکه
با حیاتیهای سرورخانستان و سنجان و باقی
و از اوضاعها بصریکه ملاکین بزرگت
و حقیقتا فرودا بختا و نصیبت نوسه
و نه جنس و نوسه دست جنس دهقانان
انجام نوسه. از اوضاعها و معانی ملاکین
که از ازارت سرکرده خان و آدمکش

سرتیپ آزمواده، شاه خائن را بیش از پیش رسوا کرد

منجا و دکتر محمد مصدق هنوز ادامه
دارند و هر روز حکومت شاه خائن، دلال
نازوری الزام و افشاح بر شاه خویشت
و با شفافیت میگذارد. حق گدشته، فران
بیشتری که هوان دامنش از تن روی خود
نهده است. دو «پیان کفرخواست» چنان
مخالف مصدق می بر زبان راند که در خارج
مسواکت ایران، بدون تردید بر شاه
است «پیان کفرخواست» این نورگشت
شاه، مرتبا با اعاتت پلشت ایران بود.
مرتبا با نطق نیش خدایساری ملت
ایران بود. این مردک بی شعیت،
از هیچگونه نیت و اقراری فرورگوار
نگردد و با پیشرفتی، از سیاست استوری
امریکا و انگلیس و افلاک، این سربرده
ترین صان آناه، دفاع نوسه، آناه که از
پشت پرده این غصرت و با حرکت در
آوردند، تصور میگرد که چینیست
میوانت افکار صومی را از سیر صمیم
منصرف کنه، ولی نه به آناه صلاحی
خودان برکت و پیان کفرخواست و
سرتیپ آزمواده، با ملایم حکومت
خان هله میل گشت. مردم ایران بیکار
دیگر طرفدار و دوست حق و سربردهگان
دور ایران و دیده، بخوبی شنیده که
پلشت گوی این حکومت از طرفی واقع
مینک، و چه ترهائی چه میماند. سرتیپ
آزمواده، بدستورده ملت مبارز و فرمان
ما را در باره و چنانکه نوشته و ملی گردن
منت شد و از ک مسول مبارزات
هر اقتضای و طولانی، ملت است. نطق
نوسه، و دکتر محمد مصدق را، با این مناسبت
که در برابر امپریالیستی انگلیس و امریکه
پکلی، فراموشت کرده است. با بدفهام
گرفت. سرتیپ آزمواده از قدرت مطقه
سلطنت، از آنچه که قرب پلشت سزایش
دو انقلاب مشروط ایران، کمال بخوان
سازگار کرد، دفاع نوسه و سبتر می
گشت، و هر کسی بگوید خلد حق عزل و
نص وزیران را ندارد، باید معاضت را
با سرگمات بر کرد و باقی الزامه -
توکی مانده و دامنش از تن روی خود
نهده است. دو «پیان کفرخواست» چنان
مخالف مصدق می بر زبان راند که در خارج
مسواکت ایران، بدون تردید بر شاه
است «پیان کفرخواست» این نورگشت
شاه، مرتبا با اعاتت پلشت ایران بود.
مرتبا با نطق نیش خدایساری ملت
ایران بود. این مردک بی شعیت،
از هیچگونه نیت و اقراری فرورگوار
نگردد و با پیشرفتی، از سیاست استوری
امریکا و انگلیس و افلاک، این سربرده
ترین صان آناه، دفاع نوسه، آناه که از
پشت پرده این غصرت و با حرکت در
آوردند، تصور میگرد که چینیست
میوانت افکار صومی را از سیر صمیم
منصرف کنه، ولی نه به آناه صلاحی
خودان برکت و پیان کفرخواست و
سرتیپ آزمواده، با ملایم حکومت
خان هله میل گشت. مردم ایران بیکار
دیگر طرفدار و دوست حق و سربردهگان
دور ایران و دیده، بخوبی شنیده که
پلشت گوی این حکومت از طرفی واقع
مینک، و چه ترهائی چه میماند. سرتیپ
آزمواده، بدستورده ملت مبارز و فرمان
ما را در باره و چنانکه نوشته و ملی گردن
منت شد و از ک مسول مبارزات
هر اقتضای و طولانی، ملت است. نطق
نوسه، و دکتر محمد مصدق را، با این مناسبت
که در برابر امپریالیستی انگلیس و امریکه
پکلی، فراموشت کرده است. با بدفهام
گرفت. سرتیپ آزمواده از قدرت مطقه
سلطنت، از آنچه که قرب پلشت سزایش
دو انقلاب مشروط ایران، کمال بخوان
سازگار کرد، دفاع نوسه و سبتر می
گشت، و هر کسی بگوید خلد حق عزل و
نص وزیران را ندارد، باید معاضت را
با سرگمات بر کرد و باقی الزامه -
توکی مانده و دامنش از تن روی خود
نهده است.

شهد و شرنک

دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست

دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست

قطعنامه سومین کنگره سندیکائی جهانی دوازده ایران

سومین کنگره سندیکائی جهانی تفرودا تفرودا
خوبی که از این ده اوت ۱۹۳۲ در ایران روی دهنه است اعلام
میگردد. هزاران هزار مردم و شهرت و درون آناه معضات کارگر
و نشان سندیکائی تولید شده خشک دیده و به بلزادگان ایران
تپید گشته است.
مرکز سندیکائی کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست

آودیس مصر ویان



آودیس مصر ویان که گسر مبارز
قلمی و در لیست ۲۱ آبان دهکی از
گروه های فرم شاه سلطان و لاعلم
چندین سلسل فرار گشته و در لیست
خوردی قتب ۳۳ آبان دهگشت.
دین مصر ویان حلو با سانه حزب
ما، از اولین اتحادیه های کارگری، از
فالقین اتحادیه قلمها بود.
وقتی حری قیام ابدی مشکلی که
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست
دو کورگه کویکی از این دو کورگه بزرگ
و کویکست، تصویرست، عش و نکویکست

سرتیپ آزمواده، شاه خائن را بیش از پیش رسوا کرد

منجا و دکتر محمد مصدق هنوز ادامه
دارند و هر روز حکومت شاه خائن، دلال
نازوری الزام و افشاح بر شاه خویشت
و با شفافیت میگذارد. حق گدشته، فران
بیشتری که هوان دامنش از تن روی خود
نهده است. دو «پیان کفرخواست» چنان
مخالف مصدق می بر زبان راند که در خارج
مسواکت ایران، بدون تردید بر شاه
است «پیان کفرخواست» این نورگشت
شاه، مرتبا با اعاتت پلشت ایران بود.
مرتبا با نطق نیش خدایساری ملت
ایران بود. این مردک بی شعیت،
از هیچگونه نیت و اقراری فرورگوار
نگردد و با پیشرفتی، از سیاست استوری
امریکا و انگلیس و افلاک، این سربرده
ترین صان آناه، دفاع نوسه، آناه که از
پشت پرده این غصرت و با حرکت در
آوردند، تصور میگرد که چینیست
میوانت افکار صومی را از سیر صمیم
منصرف کنه، ولی نه به آناه صلاحی
خودان برکت و پیان کفرخواست و
سرتیپ آزمواده، با ملایم حکومت
خان هله میل گشت. مردم ایران بیکار
دیگر طرفدار و دوست حق و سربردهگان
دور ایران و دیده، بخوبی شنیده که
پلشت گوی این حکومت از طرفی واقع
مینک، و چه ترهائی چه میماند. سرتیپ
آزمواده، بدستورده ملت مبارز و فرمان
ما را در باره و چنانکه نوشته و ملی گردن
منت شد و از ک مسول مبارزات
هر اقتضای و طولانی، ملت است. نطق
نوسه، و دکتر محمد مصدق را، با این مناسبت
که در برابر امپریالیستی انگلیس و امریکه
پکلی، فراموشت کرده است. با بدفهام
گرفت. سرتیپ آزمواده از قدرت مطقه
سلطنت، از آنچه که قرب پلشت سزایش
دو انقلاب مشروط ایران، کمال بخوان
سازگار کرد، دفاع نوسه و سبتر می
گشت، و هر کسی بگوید خلد حق عزل و
نص وزیران را ندارد، باید معاضت را
با سرگمات بر کرد و باقی الزامه -
توکی مانده و دامنش از تن روی خود
نهده است.

سرتیپ آزمواده، شاه خائن را بیش از پیش رسوا کرد

منجا و دکتر محمد مصدق هنوز ادامه
دارند و هر روز حکومت شاه خائن، دلال
نازوری الزام و افشاح بر شاه خویشت
و با شفافیت میگذارد. حق گدشته، فران
بیشتری که هوان دامنش از تن روی خود
نهده است. دو «پیان کفرخواست» چنان
مخالف مصدق می بر زبان راند که در خارج
مسواکت ایران، بدون تردید بر شاه
است «پیان کفرخواست» این نورگشت
شاه، مرتبا با اعاتت پلشت ایران بود.
مرتبا با نطق نیش خدایساری ملت
ایران بود. این مردک بی شعیت،
از هیچگونه نیت و اقراری فرورگوار
نگردد و با پیشرفتی، از سیاست استوری
امریکا و انگلیس و افلاک، این سربرده
ترین صان آناه، دفاع نوسه، آناه که از
پشت پرده این غصرت و با حرکت در
آوردند، تصور میگرد که چینیست
میوانت افکار صومی را از سیر صمیم
منصرف کنه، ولی نه به آناه صلاحی
خودان برکت و پیان کفرخواست و
سرتیپ آزمواده، با ملایم حکومت
خان هله میل گشت. مردم ایران بیکار
دیگر طرفدار و دوست حق و سربردهگان
دور ایران و دیده، بخوبی شنیده که
پلشت گوی این حکومت از طرفی واقع
مینک، و چه ترهائی چه میماند. سرتیپ
آزمواده، بدستورده ملت مبارز و فرمان
ما را در باره و چنانکه نوشته و ملی گردن
منت شد و از ک مسول مبارزات
هر اقتضای و طولانی، ملت است. نطق
نوسه، و دکتر محمد مصدق را، با این مناسبت
که در برابر امپریالیستی انگلیس و امریکه
پکلی، فراموشت کرده است. با بدفهام
گرفت. سرتیپ آزمواده از قدرت مطقه
سلطنت، از آنچه که قرب پلشت سزایش
دو انقلاب مشروط ایران، کمال بخوان
سازگار کرد، دفاع نوسه و سبتر می
گشت، و هر کسی بگوید خلد حق عزل و
نص وزیران را ندارد، باید معاضت را
با سرگمات بر کرد و باقی الزامه -
توکی مانده و دامنش از تن روی خود
نهده است.

